

توضیحات دادستان تهران درباره ارتباط کاوه مدنی با شبکه جاسوسی زیست محیطی

لورفت؛ در رفت!

■ دولت آبادی: جاسوسان زیست محیطی اطلاعات مهم و استراتژیکی از کشور خارج کرده‌اند

صفحه ۲

پنجشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۹۷ ■ ۲ شعبان ۱۴۳۹ ■ ۱۹ آوریل ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۴۱۹ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



آیا خبربازی رئیس‌جمهور آمریکا با رهبر کره‌شمالی برای جبران شکست او در سوریه است؟

ترامپ: اونم آرزوست!

■ تأیید دیدار محرمانه رئیس سیا و نامزد وزارت خارجه آمریکا با رهبر کره شمالی توسط ترامپ

صفحه ۱۵

■ ۱۱۷۹ سال و ۱۴۳ روز گذشت

ولادت سید جوانان اهل بهشت حضرت حسین بن علی علیه‌السلام و روز پاسدار را شادباش می‌گوییم



رهبر انقلاب در دیدار وزیر، مسؤولان و جمعی از کارکنان وزارت اطلاعات:

مسأله نفوذ را جدی بگیرید

عکس Leader.ir

صفحه ۲

روزنه

سلبریتی‌ها از ما چه می‌خواهند؟

■ صادق فرامرزی

حمایت از دولت هزینه اجتماعی بالایی دارد؛ این گزاره دیگر نه در حد فرضیه و گمان که در قامت پیش‌فرضی ثابت در معادلات سیاسی لحاظ می‌شود. دولتی که یک‌سال پیش و درست در چنین روزها و ایامی با همه توان به دنبال هزینه‌سازی اجتماعی برای مخالفت با راه نامتاسم خود بود، این روزها از لحاظ حمایت و اعتبار اجتماعی از عرش به فرش رسیده است. در باب چرایی این امر سخن و تحلیل‌های زیادی به زبان آمده اما شاید بتوان کلیدی‌ترین عوامل را از یکسو رکود مدیریتی دولتمردان در جهت اصلاح مطالبات اولویت‌دار دانست و از سوی دیگر آن را ماحصل رادیکالیسم اجتماعی‌ای دانست که از سوی رئیس‌جمهور و معاون اول او در روزهای پایانی تبلیغات انتخاباتی و برای مهار رقبا در پیش گرفته شد. رکود مدیریتی دولتمردان و انفعال برابر مطالبات گسترده کشاورزان، کارگران، طبقات محروم و... بخش عمده‌ای از بدنه حامی دولت را مقابل دولت قرار داده است. جمعیت قابل توجهی که به وعده‌های گوناگون دولتمردان امید بسته بودند حالا از امید خود ناامید شده‌اند و تبدیل به مهم‌ترین مطالبه‌گران اجتماعی از دولت تدبیر و امید شده‌اند. در این میان هرچند پایگاه طبقاتی سلبریتی‌ها به عنوان پیشروترین حامیان دولت که وزنه سنگینی در تاثیرگذاری اجتماعی نیز داشته و دارند بالاتر از سطحی است که آنان را تبدیل به مطالبه‌گران معیشتی کند اما شاهد آن هستیم که این قشر نیز در مسابقه اعلام برائت از عملکرد نیمه دوم دولت هر روز با عذرخواهی بابت حمایت دیروز خود از دولتمردان و اعلام پشیمانی از تحرک برای روی کار آمدن مجدد دولت روحانی سعی می‌کنند جلوه‌ای از همراهی اجتماعی خود در مخالفت با راه دولت را نشان دهند. هرچند سلبریتی‌ها اعم از سلبریتی‌های هنری یا سلبریتی‌های سیاسی هر کدام بنا بر حق شهروندی خود مجاز به مشارکت سیاسی و اجتماعی در دفاع و انتقاد از سیاستمداران مختلف هستند و ما ناتوان از آنیم که با نیت‌خوانی، درجه صداقت هرکدام از آنها را بسنجیم اما حق آن را داریم که بدون شخصی کردن تحلیل خود، آنها را در قالب پدیده‌ای مهم در جامعه‌شناسی سیاسی کشور مورد بررسی قرار دهیم.

ادامه در صفحه ۵

انسان‌ها دستمال کاغذی نیستند

■ امیر استکی

همه به یاد داریم که سال ۹۲ و همچنین ۹۶ در جریان مبارزات انتخابات ریاست‌جمهوری چگونه اقبال عمومی به چهره‌های معروف به نفع یک جریان سیاسی خاص به کار گرفته شد و تا چه میزان در ایجاد یک جو عمومی به نفع اصلاح‌طلبان موثر واقع شد. آن روزها هر کسی که به واسطه حضورش در رسانه‌های عامه‌پسند، نام و نشانی داشت، در راستای جلب رای به سوی جناب روحانی به کار گرفته شد. حرکتی که با سر دادن شعارهای عامه‌پسند و کلی درباره بعضی آزادی‌های اجتماعی و پاره‌ای اصلاحات سیاسی همراه شده بود و در یک ائتلاف زرد سلبریتی‌ها، جناب روحانی، اصلاح‌طلبان و همراهانش به همدیگر نان قرض می‌دادند. در همایش‌های انتخاباتی برای‌شان جایگاه ویژه‌درست می‌کردند و دوربین‌های روی‌شان تمرکز می‌کرد تا برداشت‌های انتخاباتی از چهره‌شان گرفته شود. یکی نان ایجاد یک جو عمومی مثبت به نفع نومحافظه‌کاران و تشویق طیف خاکستری به حضور در پای صندوق‌های رای را بر سر سفره می‌نهاد و دیگری هم هر آنچه را این جماعت در دل، میل و تمنای به آن نشان می‌داد سخاوتمندانه بر غلم شعار سوار می‌کرد و پیش می‌رفت. انتخابات تمام شد و جناب روحانی بر اریکه قدرت نشست. حالا به سیاق رسم همه چیز فراموش و وعده‌ها و وعیده‌های انتخاباتی تا اطلاع ثانوی به پستیوی خزانه می‌شد اما جریانی که یک‌تنه خود و شهرتش را در سودای روزهای گل و بلبل به پای جناب روحانی خرج کرده بود بی‌صبرانه منتظر بود تغییری ملموس در شرایط احساس کند، بی‌خبر از آنکه در واقع چنین قراری در عالم سیاست بویژه در قرائت فرصت‌طلبانه‌ای که دوستان اصلاح‌طلب‌شان از آن اراده می‌کنند، وجود نداشته و ندارد. حالا کم‌کم سلبریتی‌ها و چهره‌های معروف به همان سادگی و بر مبنای همان تصورات و فهم مبتدلی که از واقعیات و مسائل کشور داشتند و به واسطه آن ملعیه دست‌ان سیاستمداران معتدل قرار گرفته بودند، به میدان مطالبه‌گری وارد شده‌اند. بی‌صبرانه منتظر این هستند که آن رونقی که جناب روحانی وعده داد و آن باید بشودها و لاف در غربت‌زدن‌های برطمطراق، اجرایی شود ولی از آنجا که صدای بلند و وعده‌های رنگارنگ در عالم واقع دلیل بر توانمندی و کفایت نیست، لذا مدعیان در عمل به وعده‌های خود- حداقل آن وعده‌هایی که رنگ حیثیت بر آنها زدند- بیش از

ادامه در صفحه ۵

چرا حالا سلبریتی‌ها را قورباغه می‌خوانند؟

■ حسن رضایی

«فرب» را می‌توان مهم‌ترین شاخصه دنیای مدرن دانست. غربی‌ها نخستین بار قه‌ای اعتراض به اغواگری‌های کلان و دروغین مدرنیسم را درست پس از آن نشان دادند که سیل خون‌های ناشی از جنگ جهانی دوم، زمین اروپا را داغ و ملتهب کرده بود. وجدان مردم اروپا به یکباره مرتعش شد. آنها بدرستی احساس می‌کردند فیلسوفان عصر روشنگری- بخوانید تاریک‌اندیشی!- به مدت چند قرن به آنها دروغ گفته‌اند. آنها حالا در خود جهنم بودند و هیچ خبری از «بهشت زمینی» فیلسوفان از دین بریده و ضدمذهب نبود. اینگونه پست‌مدرنیسم جوانه زد روح خشن، مستبد، منفعت‌محور و سلطه‌جوی مدرنیسم اما مهاجم تر از آن بود که به کسی باج دهد. لذا پست‌مدرن‌ها بیشتر به محیط‌زیست، معماری، سینما، ادبیات و خلاصه هر آنچه جز «قدرت» بود(ا) مشغول شدند و ماهیت و ساختار قدرت در غرب، هر روز مدرن‌تر شد تا هر دم، وحشی‌تر و لجام‌سیخته‌تر شود. بعدها افرادی چون فوکویاما، متأثر از همین استبداد مطلقه، بی‌اعتنا به واقعیات لایه‌های درونی اجتماع غربی، موهمانه خیال کردند «لیبرالیسم» ایستگاه آخر بشریت- نه حتی غرب!- و همان «بهشت زمینی» موعود است. بعدتر البته فهمیدند چقدر غلط کرده‌اند و گفتند که بله غلط کرده‌ایم! اما گفتیم کمونیسم به موزه‌های تاریخ خواهد رفت و واقعا رفت! ما گفتیم اسلام سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد و حالا «فوکویاما» هم می‌بیند که انگار بله! راست است! ما گفتیم آمریکا قابل اعتماد نیست و دیدید که نبود حالا هم گفته‌ایم عمر نخس اسرائیل به بیش از ۲۵ سال دیگر نمی‌رسد و منتظر باشید که نرسد! اما پیروان پیامبری هستیم که وقتی دید یکی از اصحابش دامن عیارا به دروغ جمع کرده تا اسب خیال کند علفه دارد و جلو بیاید، او را از این کار بر حذر داشت و فرمود: حتی به حیوان هم نباید دروغ گفت! دروغ‌گویی و خلف وعده لیبرال‌ها در آمریکا، اروپا، ایران، اینجا و آنجا اما تمامی ندارد. قدرت که بوی لجن دروغ‌گویی‌شان، جهان را برداشته است. در دنیایی که لیبرال‌ها کدخدای خودخوانده آن باشند، آل‌سعود رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل می‌شود آمریکا برای دموکراسی و حقوق بشر(!) به لیبی، عراق، افغانستان، سوریه و ویتنام حمله می‌کند! و سلمان سعودی نگران سلامت مردم یمین است! دولت برآمده از «تکرار» هم ابتدا وعده صبروزه نداده است! بگذارید البته وارد مسائل خطرناک نشوم تا «وطن!» زنده بماند... بیاپید از این بگویم که وجود رسوبات استعمارزدگی

ادامه در صفحه ۵

درباره برخورد ابزاری

اصلاح‌طلبان با سلبریتی‌ها

■ میکائیل دبانی

سیاست اگر از جنس قدرت‌طلبش باشد لاجرم باید آمیخته‌ای از «دروغ»، «فرب» و «استفاده از هر ابزاری برای رسیدن به هدف» شود. در این بین فرقی نمی‌کند این وسیله «شعارها» و «وعده‌های بی‌پشتوانه» باشد یا انسان‌هایی که حالا از گذر رسانه به چهره‌های پرمخاطبی تبدیل شده‌اند که نام‌شان در دنیای جدید «سلبریتی» است و می‌توانند میداندار بازی‌های تبلیغاتی شوند! می‌توان برای کسب نتیجه و رسیدن به هدف آنها را ردیف کرد تا ستاره‌های میدان سیاست باشند و در همایش‌ها و میتینگ‌های سیاسی برای‌شان جایگاه ویژه تعریف کرد و دوربین‌ها را روی آنها زوم کرد و برای‌شان دست تکان داد و با آنها سلفی گرفت! سلفی با آنها در زمینی که سیاست از گذر هیجان و نه عقلائیست! می‌تواند نتیجه‌بخش باشد و برای جناح سیاسی اصلاح‌طلب قدرت به ارمغان آورد و همه این‌ها البته نامش «توسعه سیاسی» است! برای همین است که از سوی اصلاح‌طلبان، تهرانی‌ها توسعه‌یافته‌ترین اقشار جامعه ایرانی هستند؛ همان‌هایی که «تکرار» را سریع‌تر «تکرار» می‌کنند و دابشمش «تکرار سلبریتی‌ها» راحت‌تر بر آنها موثر است. «سلبریتی هست اساسا چون دیده می‌شود!» و این بازی سیاست هم برای او کم‌فایده نیست، چون در گذرگاه یک اتفاق مهم و تاریخی بیشتر در معرض دید عموم قرار می‌گیرد! اما امان از روزی که آب‌ها از آسیاب هیجانات سیاسی بیفتد و عقلائیت کم‌فرما شود و آنهایی که تا دیروز تکرار می‌کردند «پشیمان» از تکرار خود شوند! اینجاست که سازوکار دوم این جناح قدرت‌طلب فعال می‌شود که «آخر تو چه از سیاست می‌دانی که حرف می‌زنی؟»، «تو را چه به سیاست؟!»، «شهر شلوغ شده است و در نبود احزاب، [قورباغه] هفت تیرکش شده‌ای!... به قول معروف این از فحش هم برای سلبریتی‌هایی که همه چیزشان را به میدان سیاست آوردند تا روحانی رای بیاورد بدتر است که به آنها بگویند «مگر سلبریتی‌های پشیمان از رای به روحانی چقدر در رای آوردن او تاثیر داشته‌اند؟» حالا دیگر زمان آن می‌رسد که این جناح سیاسی این گزاره تاریخی خود را تکرار کند که «کاری نکنید که بگویم از سالن بیرون تان کنید!» و برای اینکه در جرگه ما بمانید تنها می‌توانید طوطی‌وار فقط تکرار کنید و نه بیشتر!

ادامه در صفحه ۵